

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی</p>		<p>■ شایه: ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵۰۰۰۰ ■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamonline.ir ■ www.jamejamdaily.ir ■ پست الکترونیکی: info@jamejamOnline.ir</p>	
<p>■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۱۹ ■ تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۰۴۰۰۰ ■ دوزنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۴۱۳ ■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۴۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم</p>		<p>دوشنبه ۱ آذر ۱۴۰۰ ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ ۲۰ صفحه سال بیست و دوم - شماره ۶۰۸۵ Monday - November 22 , 2021</p>	
<p>حکمت ۳۴۵: نهیج‌البلغه دست یافتن به گناه نوعی عصمت است.</p>		<p>وضعیت آب و هوای امروز</p> <p>تهران ۱۵ / ۸ اهواز ۲۶ / ۱۷ اردبیل ۱۸ / -۲ بندرعباس ۳۲ / ۱۹ بجنورد ۱۶ / ۴ سندج ۱۳ / ۵ مشهد ۱۶ / ۸ کرمان ۲۱ / ۶</p>	
<p>اوقات شرعی:</p> <p>اذان ظهر: ۱۷/۵۰ اذان مغرب: ۱۷/۱۳ اذان صبح (فردا): ۵/۲۰ غروب آفتاب: ۱۶/۵۴ نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۷ طلوع خورشید(فردا): ۶/۴۸</p>		<p>حدیث روز: پیامبر اسلام(ص): از فراست مؤمن بترسید که چیزها را با نور خدای نگیرد.</p> <p>واحه: روشن است آن خانه‌گویی آن کبکست ما غلام خانه‌های روشنیم</p>	

استاد واقعی، شاگرد واقعی و مسعود فراستی

۴۰ سالگی که سال‌ها نزد استاد خود به یادگیری نقاشی مشغول بود و تمام فنون و هنرهای نقاشی را از وی آموخته بود، روزی نزد استاد رفت و گفت: استاد،

مدتی است چیز جدیدی به من نیاموخته‌اید. آیا به نظر شما من توان و استعداد یادگیری بیشتر از این را ندارم؟ استاد شاگرد را در آغوش گرفت و گفت: اتفاقاً برعکس، تو از بهترین شاگردانی هستی که من در طول عمر هنری خود داشته‌ام و علت آن‌که مدتی است چیز جدیدی به تو نیاموخته‌ام این است که تو دیگر خودت استاد شده‌ای و من دیگر چیزی ندارم که به تو بیاموزم. شاگرد از آنجا که شخص متواضعی بود سرش را پایین انداخت و به شمرند گل‌های قالی مشغول شد. استاد ادامه داد: اکنون وقت آن است که نقاشی میدان‌اصلی شهر را بکشی. شاگرد که خیلی خوشحال شده بود به میدان‌اصلی شهر رفت

و روی دیواری که توسط سازمان زیباسازی مشخص شده بود نقاشی بسیار زیبایی کشید و پس از اتمام نقاشی از آنجا که شخص متواضعی بود تابلویی کنار نقاشی خود نصب کرد و در آن از تماشاگران خواست هرجا در نقاشی ایرادی می‌بیند روی آن یک علامت ضربدر بزنند. وی فردای آن‌روز به میدان‌اصلی شهر مراجعه کرد و دید روی همه‌جای نقاشی وی علامت ضربدر کشیده شده است. وی با دیدن این منظره بسیار ناامید و ناراحت شد و نزد استاد بازگشت و ماجرا را برای وی تعریف کرد. استاد نخست جملاتی مبنی بر پایین‌بودن مبادی سواد بصری و پررو و پفیوز خطاب به تماشاگران بیان کرد و سپس به‌همراه شاگرد به میدان‌اصلی شهر رفت و صحنه را دید. وی پس از مشاهده صحنه به شاگرد گفت: بار دیگر همین نقاشی را بکش. شاگرد بار دیگر همان نقاشی را کشید. پس از پایان یافتن نقاشی استاد روی تابلو کنار نقاشی خطاب به تماشاگران نوشت: هرجا در تصویر ایرادی می‌بینید آن را با قلم و رنگ اصلاح کنید. سپس شاگرد را به ناهار دعوت کرد و در معیت یکدیگر غذای توپی بر بدن زدند و عصرهنگام به میدان‌اصلی شهر بازگشتند و دیدند تابلو دست‌نخورده باقی مانده است. در این لحظه استاد رو به شاگرد کرد و گفت: من فراموش کردم درس‌آخر را که درس نخست استادی است به تو بدهم. وی افزود: درس‌آخر این است که همه انسان‌ها جرات انتقادکردن را دارند اما عرضه اصلاح‌کردن را ندارند. پس من‌بعدکسی را آدم حساب نکن و کار خودت را بکن و اگر فراستی هم حرف زد توی دهانش بزن و در همه حال مانند یک استاد واقعی رفتار کن.

مروارید غرور

گفت‌وگو با مهدی باقریگی، بازیگر سریال قصه‌های مجید در روزی که به‌نام اصفهان ثبت شده است

شهر خود نیز خوب خرج می‌کنند و به اندازه‌اما اسراف نمی‌کنند و بریز و پاش‌های بیهوده ندارند. شاید به این دلیل که شهرشان در وسط کویر است اما با درایت و برنامه‌ریزی توانسته‌اند در دل بیابان، شهری سبز و زیبا بسازند.

پخش صدای اصفهان: از تلویزیون
اصفهان در مرکز ایران قرار دارد. ایستگاهی است که از همه سو به آن راه است و همه مردم ایران از شرق، غرب، شمال و جنوب اگر تصمیم بگیرند در یک نقطه هرگز هم که بناهای باستانی و معماری نقطه است. به جز سمت چهارمحال و بختیاری که کوهستانی است بقیه اطراف اصفهان بیابان و کویر است. زاینده‌رود دلیلی شده برای سرسبزشدن این شهر. اصفهان با زاینده‌رود زنده است و اصفهان شده است و اگر این رود خشک شود و به اصفهان نرسد، تا چند سال دیگر اصفهان نابود خواهد شد؛ حالا هرقدر هم که بناهای باستانی و معماری بی‌نظیر در آن باشد و مهد گردشگر و توریست باشد. شهری که آب نداشته‌باشد نابود می‌شود. حال زاینده‌رود سال‌هاست خوب نیست. حال اصفهان هم خوب نیست اما مردم این شهر نمی‌توانند در برابر ظلمی که به آنها شده و مدیریت نادرستی که زاینده‌رودشان را خشک کرده سکوت کنند و با چشم خود ببینند شهرشان نابود می‌شود. به همین دلیل بعد از سال‌ها تحمل، امسال در بستر خشک زاینده‌رود تجمع کردیم تا بگویم اجازه نمی‌دهیم زاینده‌رود و اصفهان از بین بروند. دلیل بی‌آبی و خشکی زاینده‌رود فقط بارش کم و خشکسالی نیست. مدیریت اشتباه و بد دلیل نرسیدن آب به شرق اصفهان و خشکی زاینده‌رود است. خوشبختانه تلویزیون این تجمع مردمی را پوشش خبری داد و به مردم ثابت کرد آنها را دیده و صدای اعتراض و خواسته‌شان را به گوش مسؤولان و دیگر مردم ایران رسانده. همین پوشش خوب رسانه‌های داخلی سبب شد رسانه‌های خارجی نتوانند برای این‌جمع حاشیه‌سازی کرده و اخبار دروغ را نشر بدهند. مردم اصفهان دقیقاً می‌دانند از مسؤولان چه می‌خواهند و بازتاب درست این خواسته از سوی رسانه‌ملی باعث شد آژانش این تجمع و خارج‌نشدن از ریل، ادامه پیدا کند.

باشد و همه هویت و زیست مردم آن شهر را نشان مردم بدهد و بیننده زیادی هم داشته باشد. شخصیت‌های سریال قصه‌های مجید با لهجه اصفهانی صحبت می‌کردند؛ لهجه‌ای که بین ایرانیان آشناست و برخی از مردم با آن حتی شوخی هم می‌کنند. شاید به این دلیل که شخصیت‌های طنز معروفی مانند زنده‌یاد ارحام صدر، اصفهانی بودند و لهجه شیرین و گرم اصفهانی را وارد طنز ایران کردند. مجید با دوجرغ‌هاش به همه گوشه و کنار اصفهان سرک می‌کشید و همین باعث شد تا بینندگان ایرانی سریال با بافت سنتی و قدیمی اصفهان آشنا شوند. در این سریال شخصیت «بی‌بی» هم حضور داشت که نماینده همه مادربزرگ‌های ایرانی بود؛ مادربزرگ‌هایی که همیشه حامی خانواده هستند و فرزندان و نوه‌ها به‌شدت می‌توانند روی آنها حساب کنند. بی‌بی اصفهانی بود اما او را می‌توان به همه مادربزرگ‌های ایرانی تعمیم داد. همیشه و در همه حال کنار مجید بود. گاهی شاید مجید را شامت‌ها هم می‌کرد اما همیشه صلاح او را می‌خواست و به او کمک می‌کرد که به خواسته‌ها و آرزوهایش برسد.

خسیس نیستیم!

از باقریگی می‌پرسم این درست است که می‌گویند اصفهانی‌ها خسیس‌اند؟ می‌گوید: نه! اصفهانی‌ها «حسابدون» هستند اما خسیس نه. حواس‌شان به جیب‌شان است و پول‌شان را بی‌خودی خرج نمی‌کنند. اصفهان از قدیم حتی پیش از آن‌که به‌عنوان شهری توریستی معروف شود، شهری با اقتصاد قوی بوده و تاجران و کاسبان زیادی داشته، میدان نقش‌جهان و میدان کهنه مرکز تجارت اصفهان بوده. مردم این شهر ثروتمند بوده و کماکان هستند اما قدر پول را می‌دانند و بیهوده دست به جیب نمی‌شوند. مثلاً تهرانی‌ها می‌روند شمال و یک پفک ۱۰۰ تومانی را «هزار تومان می‌خرند و می‌گویند عیب ندارد برای تفریح آمده‌ایم! اما اصفهانی‌ها از این پول‌ها خرج نمی‌کنند! تفریح به جای خود اما نباید گران خرید و الکی دست به جیب یا کیف پول شد. اگر به اصفهان سفر کنید این مدیریت در هزینه‌ها و مخارج را با چشم خود می‌بینید. اصفهانی‌ها در

است برای گردشگری. امسال روز اصفهان همزمان شده با تجمعات مردم این شهر برای تعیین تکلیف کردن برای حق‌آب اصفهان و زنده کردن دوباره زاینده‌رود. تجمعی که چندین روز طول کشیده و مدیریت آن آقدر خوب و مدنی بوده که ریزاید خاص و عام شده. در روز اصفهان با مهدی باقریگی هم‌صحبت شدم که عموم مردم ایران او را با سریال قصه‌های مجید و نقش مجید می‌شناسند. باقریگی که اکنون کارمند شهرداری اصفهان است، در دوره‌ای عضو شورای شهر اصفهان هم بود و اطلاعات کاملی از جغرافیا، تاریخ باستانی و معماری بی‌نظیر اصفهان وارد این شهر می‌شوند. حتی سیاستمدارانی که برای امور دیپلماتیک سفری چندروزه به ایران دارند یکی از برنامه‌هایشان سفر حتی اگر شده چند ساعته به اصفهان است. این اهمیت داخلی و خارجی سبب شده تا امروز را در تقویم به‌نام اصفهان ثبت کنند؛ شهری که برای ما ایرانی‌ها نمش گرہ خورده به زاینده‌رود و پل‌هایی که در اصفهان روی این رودخانه ساخته‌اند از سی‌وسه‌پل بگیر تا پل خواجه و بقیه که هر کدام‌شان به تنهایی محلی

اصفهان در آینه قصه‌های مجید

همان اول صحبت از باقریگی می‌خواهم از تاثیر سریال قصه‌های مجید بر ذهنیت مردم ایران درباره اصفهان بگوید. او بر این باور است که بسیاری از مسؤولان و مدیران شهری ایران تمایل دارند کارگردان کاربلدی مانند آقای پوراحمد پیدا شود و درباره شهر آنها سریالی مثل قصه‌های مجید بسازد که تا آن اندازه تاثیرگذار

مدیریت اشتباه، زاینده‌رود را خشکاند

این که می‌گویند مردم اصفهان زیاده‌خواهند، هم آبی می‌خواهند برای کشاورزی و هم آب برای صنعت را اصلاً قبول ندارم. شغل بیشتر مردم اصفهان کشاورزی و باغداری است. مگر ما خواستیم که در اطراف اصفهان پالایشگاه و کارخانه فولاد راه‌اندازی کرده و آب اصفهان را به سمت آنها ببرند. این کاری است که دولتمردان بدون توجه به نظر مردم اصفهان انجام داده‌اند و سودش به همه مردم ایران می‌رسد نه فقط به اصفهانی‌ها. اشتباه از زمانی شروع شد که مدیریت یکپارچه آب استان‌های یزد، اصفهان و چهارمحال و بختیاری در دولت هشتم و نهم سه پاره شد و هر استانی مدیریت آب خود را به دست گرفت. این جوری شد که یک عده لوله انداختند و آب رودخانه را به ویلاهای خود در ارتفاعات چهارمحال و بختیاری بردند و مثلاً در باغ شخصی خود هلو و گلابی کاشتند! این‌جوری شد که مردم یزد، برنج‌کار شدند و نگذاشتند آب به سمت اصفهان بیاید. حالا اصفهان مانده و زاینده‌رودی که خشک شده. آنهایی که در بالادست زندگی می‌کنند، می‌گویند اختیارحق آب خود را داریم و هر کاری دوست داشته باشیم با سهم آب استان خود می‌کنیم! اعتراض مردم اصفهان برای رسیدن به حق‌آب خودشان است بدون این‌که بخواهند سهم دیگران را از آن خود کنند. مدیریت اشتباه دولتمردان و مسؤولان باعث کم‌آبی اصفهان شده و به نظرم فقط با مدیریت و برنامه‌ریزی مجدد می‌توان این نابسامانی را سامان داد.



طاهره آشنایی روزنامه‌نگار

۴۰ بیشتر مردم دنیا که به گردشگری و تاریخ علاقه‌مندند، ایران را با نام «اصفهان» می‌شناسند. این شهر در جهان ۱۳‌خاوه‌خوانده دارد که نشان‌دهنده اهمیت این شهر است. شهرهای فلورانس، شی‌آن، بارسلونا، ایسروان، کویت، فراینبورگ، هاوانا، لاهور، سن‌پترزبورگ، داکا، بعلبک، کوالالامپور و یاش در اروپا و آسیا، اصفهان را به‌عنوان خواهرخوانده خود پذیرفته‌اند. مردم زیادی در دنیا به قصد دیدن آثار باستانی و معماری بی‌نظیر اصفهان وارد این شهر می‌شوند. حتی سیاستمدارانی که برای امور دیپلماتیک سفری چندروزه به ایران دارند یکی از برنامه‌هایشان سفر حتی اگر شده چند ساعته به اصفهان است. این اهمیت داخلی و خارجی سبب شده تا امروز را در تقویم به‌نام اصفهان ثبت کنند؛ شهری که برای ما ایرانی‌ها نمش گرہ خورده به زاینده‌رود و پل‌هایی که در اصفهان روی این رودخانه ساخته‌اند از سی‌وسه‌پل بگیر تا پل خواجه و بقیه که هر کدام‌شان به تنهایی محلی



تا مسؤولان دیگری که به مردم آرامش خاطر می‌دهند و خیال‌شان را راحت می‌کنند که آسوده بخوابید که ما فکر همه جایش را کرده‌ایم. بعد هم از زونکن گزارش‌کار مقابله با زلزله تهران شرح اقدامات‌شان را درمی‌آورد که فلان قدر سوله مدیریت‌بحران در شهر داریم و بیسار قدر یگان امدادی که آماده‌اند با هر بحرانی مقابله کنند.

چرا حالا دارم این کلمات را می‌نویسم؟ چون الان دقیقاً در یک بحران شهری گیر کرده‌ام! بحران؟ نه از آن بحران‌هایی که فکر می‌کنید و یک سرشان گرہ می‌خورد به جنگ یا زلزله یا سیل یا هر چیز دیگری که وسعت و حجم آسایش این قدر باشد؛ بحرانی که با بارش نم باران در شهر تهران به‌وجود می‌آید و کافی است اولین قطرات باران از آسمان به زمین تهران برسد که نقشه اینترنتی شهر فرمز شود! تمام خیابان‌ها بسته شود و راه‌های «دقیقه‌ای، دو ساعت طول بکشد. از طرفی گزارش کارهای مقابله با زلزله تهران را می‌بینیم و از طرف دیگر گیر کرده در بحران نم باران تهران، به این فکر می‌کنیم که این شهر چقدر آمادگی بحران دارد؟

بن‌لادن: اگر محاصره شدید مرا بکشید

روزنامه عکاظ چاپ عربستان سعودی نوشت: اسامه بن‌لادن مظنون اصلی حوادث ۱۱‌سپتامبر در آمریکا به یاران خود دستور داده در صورت محاصره‌شدن توسط نیروهای آمریکایی او را به قتل برسانند. این در حالی است که روزنامه رویترز به نقل از دیپلمات‌های آمریکایی و اروپایی که نام‌شان فاش‌نشده نوشته کاخ‌سفید متقاعدشده که اسامه بن‌لادن را زنده به‌دست نخواهد آورد. رویترز نوشت بن‌لادن هم‌اکنون در پناهگاهی کوهستانی نزدیک قندهار به سر می‌برد. ایمن الظواهری، مرد شماره۲ القاعده گفت: هدف آتی ما بعد از آمریکا، تل‌آویو است. جنگ ما با آمریکا جنگی طولانی خواهد بود. (صفحات ۱و۲)

عرضه فیلم‌های کلاسیک روی DVD

استقبال مردم و علاقه‌مندان از نسخه‌های DVD فیلم‌های جدید سینمایی باعث شد صاحبان شرکت‌های DVD تصمیم بگیرند فیلم‌های کلاسیک را هم به‌صورت DV وارد بازار پدیدوبی کنند. به این ترتیب دوستداران صنعت سینما و فیلم‌های کلاسیک باید خود را آماده کنند تا آثار درخشان و قدیمی سینما را به‌صورت DVD به کلکسیون هنری خود اضافه کنند.(صفحه ۳)

افزایش ساعت کار خطیک مترو

از فردا ساعات کار خطیک متروی تهران دو ساعت افزایش می‌یابد. با این افزایش، ساعات کار از ساعت۸ تا۱۶ خواهد بود و فاصله زمانی بین حرکت دو قطار در این خط مانند گذشته ۲۰دقیقه است و قطارها به مدت ۲۰تا۳۰دقیقه در ایستگاه‌های علی‌آباد، خزانه، ترمینال جنوب، شوش، مولوی، خیام، ۱۵‌خرداد، امام‌خمینی(۵)، سعدی و دروازه‌دولت توقف خواهند داشت.(صفحه‌یک)

